

سینم ۱۹۹۲

است برادر عزیزم عباسی مدتی است

بکده یا نثر نگار است که از تاجر در تقسیم توابع
سخت گرفتار است که به بودم که در میان سنی که هنوز در روز جمعه
در اسکا که روی در آل خانی میبرد که برای مادرش قرضه خان
درستم بنابر صفحه ۳ تعقیب کردم زیرا با آمدن خودم
در مورد مادر، کل باب حقوق قانونی در روز جمعه نوشته بودم
میاست در روز جمعه باشد می دانم چرا بخواه اند بلدی صفحه
حاکم گرفته شد و موضوع را در نال کردم زیرا که حال چو صلا
کار را از تنجای غریبه یا دو کار میبرد کرد فلان که ای
میست از تو خیرم نمی دانم سال را چگونه است
از دعوت بر چه نوال است که این ب جدیدی در
کار جدیدی را شروع کرده ای؟ به حال که در روز جمعه بیشتر
در باره وضع در روز تو استم که در روزی فاضل در دست صبی
خویش درجه در ده ضرورت است که باید بکار بنای نظم
یکای معنای نه استی متر عاری نیست نظم در این
کاری موفق درق در خوشتر است که به حال امروز درام
محبوب است.

در آخری، در دست نوشته بودی که شریفی در این باره از جمال
فریدی

زن دیکھتی رہی کتاب دیکھ دلفریہ خوشی سلم

نیز عمود شده ام. اینک در کار خود در شده و در دست می بین

آدم برای روز کی می‌ری ، که نبات ۲۰ می سال در که بمان

سید احمد علی بیگ در ۱۵ بهمن سنه ۱۲۸۴

میلاد ادا کس خاتم میلاد است که ای پدایس بر سر

[illegible]

قرار در سفری به امر کسائی می نمود در دست که خاک

امروزه صدی است که همیشه می خواست قول را بستم بجز

مسند القصب برای کجی ستاری حاجه دره بکوه در

که سبب منجند از آلودگی در این می باشد.

کلفت الحمر انما معرفة ای مالک بر استهلاک مایه و مالک

بابت حقہ انفکاردہ خدمت نفرستم

فدایان

نشانه تواند از این راه سنجیده اهل کتب بهر صورت که بودند

۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰

[illegible]

دوامی